

بسم الله الرحمن الرحيم

برای دانلود متن درس [کلیک کنید](#)

در مورد درس دیروز دو سوال مطرح شده است که امروز در ضمن درس به آنها خواهیم پرداخت. بحث به جای حساسی رسیده است و حساسیت آن به خاطر این است که نیازمند دقت است چرا که این بحث شمولیت دارد و می توان برای آن ده ها مورد تصور کرد.

بحث ما با مرحوم آقای خویی بود؛ ایشان در چند جمله کوتاه فرمودند اگر شک در وجوب مباشرت بکنیم اگر استصحاب را بپذیریم استصحاب جاری می شود و اگر استصحاب در شبهات حکمیه را نپذیریم (کما هو المختار) اصل اشتغال جریان خواهد داشت. اما برائت قطعاً جریان ندارد. نظیر شک در قدرت، که اگر در قدرت شک کنید حق اجرای برائت ندارید بلکه نیازمند فحص است.

ما حصل کلام آقای خویی این بود که برائت مختص به جایی است که شک، در اصل ثبوت تکلیف باشد. اما در ما نحن فیه شک در اصل ثبوت تکلیف نداریم بلکه اصل تکلیف (قضا نماز والدین بر پسر بزرگتر) مشخص است فقط نحوه تکلیف مشکوک است.

ما هم معتقدیم که برائت برای شک در اصل ثبوت تکلیف است ولی سوال ما از مرحوم خویی این است؛ در شک در گستره تکلیف آیا برائت جریان ندارد؟ گستره تکلیف سر از اصل در تکلیف در می آورد. خیلی وقت ها اصل تکلیف معلوم است اما گستره تکلیف معلوم نیست. ما دیروز عرض کردیم در شک در محصل، برخی از آقایان احتیاط جاری می کنند مثلاً می گویند در وضو مامور به، طهارت است و وضو، محصل مامور به است و اگر در اعضای وضو شک شود شک در محصل رخ می دهد و در چنین شکی باید احتیاط کرد. مثلاً اگر در مقدار مسح، مکلف شک کند باید احتیاط کند. اگر در رساندن آب به زیر پوست شک کند باید احتیاط کند چرا که نمیداند طهارت حاصل شده یا نه از این رو جای احتیاط است. در شک در محصل، آنجا که بیان بر عهده شارع است در واقع شک در اصل تکلیف است. و ما معتقدیم برائت جاری می شود. بله گاهی بیان بر عهده شارع نیست مثلاً شارع دستور به احترام داده است ولی من نمی دانم در ایران آیا احترام به صرف بلند شدن حاصل می شود یا باید علاوه بر بلند شدن، دست روی سینه بگذارم و... در این موارد اگر شک کنیم باید احتیاط کنیم. من شاید 30 سال قبل یا قبل تر وقتی کتاب صلاة مرحوم آقای شیخ عبدالکریم حائری را می دیدم این مطلب را مشاهده کردم و از آن زمان تا به حال نظر من نیز در شک در محصل اینگونه شد.

ما یک بابی داریم کثیرالابتلاء، سال گذشته نیز به مناسباتی در فقه وارد این باب شدیم. آقایان در دوران بین تعیین و تخییر(مثال راحت این دوران بحث تقلید است آقایان می گویند تقلید واجب است و اصل آن ثابت است ولی نمی دانیم تقلید از اعلم متعین است یا بین اعلم و غیر اعلم مخیریم) احتیاط را برمی گزینند. حرف ما در همین جا نیز جریان دارد می گوئیم درست است اصل تکلیف معلوم است اما گستره تکلیف، نامعلوم است آیا تقلید از اعلم واجب است یا صرف تقلید؟ ما اینجا نیز قائل به برائت می شویم.

این بحث در کتاب الحج خیلی مطرح می شود مثلاً در رمی جمارات، مکلف می داند که باید جمره را رمی کند اما نمی داند که رمی به وسط جمره واجب است یا به اطراف آن نیز صحیح است. این هم دوران بین تعیین(وسط جمره) و تخییر(وسط و اطراف آن) است. در اینجا نیز بیان بر عهده شارع است و لذا ما برائت جاری می کنیم.

در ما نحن فیه نیز من پسر بزرگتر مامور شده ام به تجهیز میت(پدر) اما نمی دانم تجهیز بالمباشرة لازم است یا تجهیز بالمباشرة

و التسبیب؟ اینجا نیز شک در گستره تکلیف است و براءت جاری می شود.

در شک بین تعیین و تخیر گاهی شک در طریق است مثل شک در تقلید از اعلم یا غیر آن، در این صورت ما هم قائل به احتیاط هستیم. (در بالا که براءت در مثال مذکور گفته شده به خاطر این بود که ذهنتان را به این نکته التفات داده و آماده کنم اما ما در این مثال مانند دیگران قائل به احتیاط هستیم) من الان شک دارم که آیا حرف اعلم برای من حجت است یا حرف غیر اعلم نیز برای من حجت است. در این صورت احتیاط لازم است. چرا که در شک در حجت طریق، اصل عدم حجت است. اگر ما در شرایط مرجع تقلید نیز شک کنیم حق اجراء براءت نداریم اگر شک کنیم که آیا نظر مرجع غیر امامی حجت است یا نه، اصل عدم حجت است.

مرحوم آقای خوبی شک در مباشرت را مانند شک در قدرت دانست و لذا فرمود احتیاط جریان دارد. به عنوان مثال من نمی دانم که آیا قدرت دارم مستطیع هستم یا نه؟ باید بروم فحص بکنم احتیاط بکنم در شک در مباشرت نیز باید احتیاط بکنم. به نظر ما مانحن فیه نباید با شک در قدرت مقایسه شود. در شک در قدرت، مشکل مکلف است نه شارع؛ شارع فرموده است لله علی الناس حج البیت من استطاع سیبلا... من باید بروم حساب و کتابم را ببینم و بفهمم آیا مستطیع شده ام یا نه؟ در خمس و زکات من باید بروم حساب و کتاب کنم و... این ها که به عهده شارع نیست. در این ها که براءت معنا ندارد در این موارد فحص بر عهده مکلف است. این ها ربطی به ما نحن فیه (شک در مباشرت) ندارد. من دیروز فکر می کردم به ذهن رسید در شک در قدرت نیز برخی از اوقات باید براءت جاری کنیم. مثلاً اگر ما در حدود استطاعت شک کنیم به این بیان: آیا کسی که می خواهد حج به جا بیاورد آیا باید با کفایت برگردد یا نه؟ آیا رجوع به کفایت شرط است یا نه؟

اگر رجوع به کفایت شرط باشد، کسی که می داند بعد از رفتن به حج در برگشت به سختی می افتد زندگی اش دچار اختلال می شود و... چنین کسی وجوب حج به گردشش نمی آید.

اینکه رجوع به کفایت لازم است یا نه؟ بیانش بر عهده شارع است لذا در اینجا نیز ما در فرض شک، قائل به براءت می شویم. استاد: هر جا بیان بر عهده شارع باشد و ما چیزی پیدا نکنیم براءت جریان پیدا می کند چه اصل تکلیف باشد چه گستره تکلیف اما هر جا بیان با عهده غیر شارع باشد نمی شود براءت جاری کرد.

سوال: در برگه فرموده اید اگر استصحاب در شبهات حکمی را بپذیریم باز استصحاب جریان ندارد بلکه براءت جاری می شود. مگر استصحاب مقدم بر براءت نیست؟

پاسخ: در رسائل جواب این سوال داده شده است. درست است استصحاب مقدم بر براءت است ولی بعضی وقت ها موضوع برای براءت زودتر از استصحاب می رسد. در چنین مواردی براءت جاری می شود نه استصحاب؛ در دوران بین اقل و اکثر در باب نماز اگر شک کنیم سوره واجب است یا نه آیا استصحاب عدم وجوب می کنیم یا براءت جاری می کنیم؟ آقایان می فرمایند: براءت جاری می شود چرا که تا شک می کنیم براءت جریان پیدا می کند و نوبت به استصحاب نمی رسد. در ما نحن فیه نیز به محض شک در گستره تکلیف، براءت جریان پیدا می کند. فتامل تعرف

بحث جدید

این بحث، بحث جدید و لازمی است؛ اجازه بدهید من با مثال به این بحث ورود کنم؛ یک مستاجر اجاره اش دارد تمام می شود صاحب خانه می گوید من راضی نیستم خانه را خالی کنید اما مستاجر خانه را خالی نمی کند اما اهل نماز و غسل و... است. آیا اگر ما مامور به واجبی شدیم ولی واجب را با حصه محرم انجام دادیم آیا واجب ساقط می شود؟ خود صیغه چه دلالتی دارد؟ اقیموا الصلاة چه دلالتی دارد آیا این صیغه دلالت دارد که با حصه حلال انجام شود یا نه؟ نهایتاً اگر شک کردیم چه کنیم؟ این بحث، هم مبتلا به است هم مهم است و هم مربوط به صیغه امر است.

عبارت برگه

فی اقتضاء الطلب عدم سقوط الواجب بالاتیان بالحصّة الحرمة و عدمه و حکم الشک فی ذلک در اینجا دو بحث داریم 1: اطلاق صیغه چه اقتضایی دارد؟ 2: اگر شک کردیم چه کنیم؟

این بحث بسیار مبتلا به است اگر کسی با رشوه نفقه زن و بچه اش را بپردازد یا با مرکب غصبی حج برود و... اینها چه حکمی دارد؟

چون بحث ما اصولی است به سراغ آیات و روایت نمی رویم. ما از دو نفر از علما مطلب آورده ایم از آقای نائینی و آقای خوبی جلسه آینده این مطالب را ذکر کرده و نظر خود را بیان می کنیم.

و الحمد لله رب العالمین